

ناوی شاری بوکان (۲)

من لێرەدا بۆچوون یا بۆچوونەکانی کەسێکی تر سەبارەت بە وشەی بوکان دەهینمەوه، گەرچی خۆم لەگەڵیاندا نەبم.

بەبەتەکم لە وییلاگیکی فارسی و مرگرتوووە کە ناوی بریتییە لە "مجله اینترنتی شهر من بوکان - مجله اینترنتی اخبار و رویدادها و همه چیز در باره بوکان" ه ناوی ووتارەکەش "بوکان بە اختصار" ه، بەلام بە روونی رانەگەییینراوه کێ نووسەریەتی جگە لە ئادرەسێکی ئیمەیل کە بەگوێرە ی ئهو ئەم ووتارە یا خود سەرجمە وییلاگە کە هی دوکتۆر [قسیم] عثمانی- نوینەری نیستای خەلکی بوکان لە مەجلیسی شۆرای نیسلامی ئێرانە. ئەوه، وەک بەشێک لە ئهو زانیاریانە پێک دەهیننێت کە سەبارەت بە ناوی شاری بوکان و پێشینهکە ی نووسراون و من لە ئالقهی پێشوودا باسی یەکیانم کرد.

ئەوه ووتارەکە یه:



استان: آذربایجان غربی

زبان: کردی

جمعیت شهر: ۱۵۰۷۰۳ نفر (سرشماری سال ۱۳۸۵) سومین شهر پر جمعیت کردنشین ایران

جمعیت شهرستان: ۲۰۲۶۳۷ نفر

این شهرستان در حدود ۳۰۰۰ سال قبل تحت نام ایزیرتو پایتخت تمدن ماننایی بوده است. آثار این تمدن بسیار هنرمند قابل توجه بوده و نمونه‌هایی از آثار به تاراج رفته اش در موزه‌های جهان از قبیل موزه توکیو و موزه ارومیه دیده می‌شود. این تمدن در مناطق کردنشین شمالغربی ایران سکنی داشته‌اند. وجه بارز هنر ماننایی ظرافت و زیبایی وصف ناپذیر آن است که در تمدنهای معاصر آنها کم نظیر است. هنر معروف آنها ساخت آجرهای لعابدار بوده است. آجرهای با طرحهای رنگین که طرح آنها پس از گذشت حدود ۳۰۰۰ سال تقریباً سالم باقی مانده‌اند. نمونه بسیار زیبایی از این آجرها در موزه شرق کهن توکیو یافت می‌شود.

روایات زیادی در مورد ریشه نام این شهر وجود دارد از مشهورترین آنها این است که در قدیم مردم این شهر در هنگام مراسم عروسی به چشمه آب بزرگ و مشهور این شهر که کردها آن را «هوزه گهوره» (Hewze Gewre) «به معنی «آبگیر بزرگ» می‌نامند، (و این چشمه به صورت چشمه‌ای جوشان است که آب آن از سفره‌های زیرزمینی تأمین می‌شود) می‌آمدند و از آنجا که به **کردی** واژه «بوک» به معنی عروس است این منطقه را که بعدها به شهر تبدیل شد «بوکان» (جمع بوک = عروس‌ها) نامیدند.

اما این نظریه تنها در صورتی درست است که ما این اسم را با لهجه فارسی تلفظ کنیم یعنی «بوکان» Bookan ، این در حالی است که ساکنین این شهر و همهی مردم کرد زبان آن را بصورت «بوکان» Bokan ادا می‌نمایند.

در نظریه‌ای دیگر، گفته می‌شود که به هنگام حمله سپاه مغول به این مناطق، یکی از فرماندهان سپاه چنگیز، نام خود (بوکان) را بر روی این روستای کوچک (در آن زمان) نهاد. گفته می‌شود کوهی در مغولستان به نام بوکان وجود دارد که از همین فرمانده چشمه می‌گیرد.

نظریه دیگر در مورد وجه تسمیه شهر چنین است: شهر بوکان به دور چشمه بزرگ حهوزه گهوره شکل گرفته است و به چنین چشمه‌هایی در زبان کردی «کانی» Kani گفته می‌شود. همچنین واژه «بو» Bo در زبان کردی کاربردهای مختلفی دارد که اغلب در شکل ترکیبی به کار برده می‌شود؛ مانند بو کوی؟ (کجا؟)

اما چگونگی ترکیب این کلمات و شکل گیری واژه بوکان بر اساس این نظریه چنین است: در زمانهای قدیم هنگامیکه زنان قصد شستن وسایل خانه را داشتند آنها را با خود برداشته و به سمت رود یا چشمه‌ای در نزدیکی محل اقامتشان برده می‌بردند و در آنجا کارشان را انجام می‌دادند. به همین ترتیب اهالی ساکن اطراف بوکان، جهت شستن و نظافت ظروف و وسایل خود به طرف این کانی یا حوض می‌رفتند و هنگامی که کسی سراغ نفری را که جهت انجام این امور به «کانی» رفته بود، می‌گرفت، نزدیکان وی در پاسخ می‌گفتند: «او به کانی رفته است» و به زبان کردی «چوه بوکانی» یعنی به «چشمه» رفته است. بدین ترتیب واژه «بوکانی» به افرادی گفته می‌شد که رفت و آمد زیادی را به «کانی» مزبور انجام می‌دادند و سپس کم کم در آنجا ساکن شدند.

امروز حوض گوره (حهوزه گهوره)، در مرکز شهر واقع است و با آب گوارا و بی پایان خود آب نیمی از شهر را تأمین می‌کند. و نزد اهالی شهر از نوعی دلپستگی و جایگاه خاصی برخوردار است.

